

فهرست

الدین و التّدین

۷
۷
۱۱
۱۹
۲۲

الدّرسُ الأوّل: الدّین و التّدین

قواعد: معانی الحروف المُشَبَّهة بِالْفِعْلِ وَ لَا النَّافِیةَ لِلْجِنْسِ

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

۲۵
۲۵
۳۰
۳۸
۴۱

الدّرسُ الثّانی: مَكَّةُ الْمَكْرَمَةِ وَ الْمَدِیْنَةُ الْمُنَوَّرَةُ

قواعد: أَلْحَال

مَكَّةُ الْمَكْرَمَةِ وَ الْمَدِیْنَةُ الْمُنَوَّرَةُ

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

الکُتُبُ طَعَامُ الْفِکْرِ

۴۳
۴۳
۴۸
۵۷
۶۰

الدّرسُ الثّالث: الْکُتُبُ طَعَامُ الْفِکْرِ

قواعد: أَلِاسْتِثْنَاءِ وَ أَسْلُوبُ الْحَضْرِ

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

۶۲
۶۲
۶۷
۷۴
۷۷

الدّرسُ الرّابع: الْفَرَزْدَقُ

قواعد: الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ

الْفَرَزْدَقُ

ترجمه

سؤال های امتحانی

پاسخ سؤال های امتحانی

۷۹
۸۳
۸۵
۹۰
۹۶
۱۰۷

خلاصه درسها

مشاوره شب امتحانی

نمونه امتحان های نیم سال اول

پاسخ نامه نمونه امتحان های نیم سال اول

نمونه امتحان های نیم سال دوم

پاسخ نامه نمونه امتحان های نیم سال دوم



آموزش قواعد و مفاهیم درس

معانی حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ

در این درس ابتدا با معانی حروف پُرکاربردی مانند «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، نَيْتٌ و لَعَلَّ» آشنا می‌شوید که به این حروف، «حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ» گفته می‌شود و سپس با «لَا» نفي جنس آشنا خواهید شد. (اگر فوب دقت کنید، متوجه می‌شوید که این چهار تای اولی به «ن» فتم می‌شن و دوتای آخری با حرف «ن» شروع می‌شن! ضمناً حروف مُشَبَّهَةٌ همشون تشدید دارن غیر از «نَيْتٌ» این ویژگی کمکتون می‌کنه بعضی از این حروف مُشَبَّهَةٌ رو با هیزای مشابه اشتباه نگیرین!)
خلاصه حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ در یک نگاه

حرف مُشَبَّهَةٌ	بار معنایی	ترجمه	نکته خاص
إِنَّ	دارای معنای تأکیدی	قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان	در شروع جملات می‌آید.
أَنَّ	دارای معنای ارتباطی	که	معمولاً میان دو جمله می‌آید.
كَأَنَّ	دارای معنای تشبیهی	گویي، مانند	—
لَكِنَّ	دارای معنای «تکمیلی» و «رفع ابهام»	ولی، اما	معمولاً میان دو جمله می‌آید.
نَيْتٌ	دارای معنای آرزو	کاش	نَيْتٌ + مضارع = معنای مضارع التزامی نَيْتٌ + ماضی = معنای ماضی استمراری
لَعَلَّ	دارای معنای «احتمال» یا «امید»	شاید/ امید است	لَعَلَّ + مضارع = معنای مضارع التزامی

برای راحتی کار، این حروف را به دو گروه تقسیم می‌کنیم:

الف) حروف «إِنَّ»، «أَنَّ»، «كَأَنَّ» و «لَكِنَّ»

این حروف باعث «تأکید» جمله پس از خود می‌شود و به معنای «قطعاً»، «همانا»، «به درستی که»، «بی‌گمان» و ... به کار می‌رود. (یادتون باشه که این حرف رو با «إِنْ» شرطی به معنای «اگر» اشتباه نگیرین چون تشدید نداره!)

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ التَّحْلُ: ۹۰

قطعاً خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد.

(تو ترجمه بالا، به جای «قطعاً» می‌تونین از معادل‌های دیگرش هم استفاده کنید، مثل «همانا»، «به درستی که» و «بی‌گمان»!)

المفعول
حنيف

الواثق
التيار
فَضْرُ الْأُمَّةِ
شَهِد
وَالْتَدَيُّ
لِ الْمَطْلَقِ
مَشْهُد
الْحَنِيفِ
المفعول
حنيف



الواثق
التيار
فَضْرُ الْقَاسِي
شَهِد
وَالْتَدَيُّ
لِ الْمَطْلَقِ
أَزْ وَكَلَامًا
رَبِّ
وَبِ الْعَضْرِ
مَشْهُد

ترجمه درس ۲

الدِّينُ وَالشَّدَائِنُ

دین و دینداری

دین و دینداری

﴿أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ يونس: ۱۰۵
با یکتاپرستی به دین روئ آور و هرگز از مشرکان نباش.

التَّدَائِنُ	فِطْرِيّ	فِي	الْإِنْسَانِ.	وَالتَّارِيخُ	يَقُولُ	لَنَا:
دینداری	غریزی [است]	در	انسان	و تاریخ	می گوید	به ما

دینداری [یک امر] غریزی در انسان است. تاریخ به ما می گوید:

المفعول
حنيف

لا	شَعَبٌ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ	كَانَ لَهُ دِينٌ
هیچ ... نیست	ملت‌های زمین مگر این‌که و	بود برای او (داشت) دینی

هیچ مِلَّتِي از ملت‌های زمین انبوده و نیست مگر این‌که دینی

وَ	طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ، فَـ	الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي	اِكْتَشَفَهَا	الْإِنْسَانُ،
و روشی	برای عبادت، پس	آثار باستانی که	کشف کرد آن‌ها [را]	انسان

و روشی برای عبادت داشته‌اند، آثار باستانی که انسان آن‌ها را کشف کرد

وَ	الْخَضَارَاتُ الَّتِي عَرَفَهَا	مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ وَ	النُّقُوشِ وَ	الرُّسُومِ وَ
و تمدن‌هایی که	شناخت آن‌ها [را]	از میان نوشته‌ها و	نگاره‌ها و	نقاشی‌ها و

و تمدن‌هایی که آن‌ها را از میان (از طریق) نوشته‌ها، نگاره‌ها، نقاشی‌ها و

الْتَّمَاثِلِ،	تُوَكِّدُ	اهْتِمَامَ	الْإِنْسَانِ	بِالذِّينِ وَ	تَدُلُّ عَلَيَّ	أَنَّهُ	فِطْرِيٌّ	فِي	وَجُودِهِ؛
تندیس‌ها	می‌کند [بر]	توجه	انسان	به دین و	دلالت	این‌که	فطری	در وجودش	

تندیس‌ها شناخته است، بر توجه انسان به دین تأکید می‌کند و دلالت می‌کند بر این‌که آن، در وجودش ذاتی و فطری است.

وَلَكِنَّ	وَاتَا	عِبَادَتِهِ	وَ	شَعَائِرَهُ	كَانَتْ خُرَافِيَّةً؛
و اتا	عبادت‌هایش	و	مراسمش	خرافی بود (افسانه‌آمیز)	

ولی عبادت‌ها و مراسم آن افسانه‌آمیز و خرافی بوده است.

مِثْلُ	تَعْدُدِ	الْأَلِهَةِ	وَ	تَقْدِيمِ	الْقَرَابِينِ	لَهَا	لِـ	كُنْهِبِ	رِضَاها	وَ
مانند	زیادبودن	خدایان	و	تقدیم	قربانی‌ها	به آن‌ها	برای	به دست آوردن	خشنودی آن‌ها	و

مانند متعدّدبودن خدایان و تقدیم قربانی‌ها به آنان برای به دست آوردن خشنودی آن‌ها و

تَجَنَّبِ	شَرَّها.	وَ	ازْدَادَتْ	هَذِهِ	الْخُرَافَاتُ	فِي	أَدْيَانِ	النَّاسِ
دوری کردن [از]	بدی (گزند) آن‌ها.	و	افزایش یافت	این	افسانه‌ها	در	دین‌های	مردم

دوری از گزند آن‌ها، این خرافه‌ها و افسانه‌ها در گذر زمان در دین‌های مردم افزایش یافت.

عَلَى	مَرِّ	الْعُصُورِ،	وَلَكِنَّ	اللَّهَ	تَعَالَى	لَمْ	يُتْرَكْ	النَّاسَ	عَلَى	هَذِهِ	الْحَالَةِ؛
در گذر زمان	ولی	خداوند	متعال	ترک نکرد (رها نکرد)	مردم (را)	بر	این	حالت			

ولی خداوند متعال، مردم را در این حالت (وضعیت) رها نکرد.

فَقَدْ	قَالَ	فِي	كِتَابِهِ	الْكَرِيمِ	﴿	أَ	يَخْشَبُ	الْإِنْسَانَ	أَنْ	يُتْرَكَ	سُدِّيٌّ﴾	أَقْبِيَامَةً: ٣٦
فرموده است	در	کتاب	گرامی‌اش	آیا	می‌پندارد	انسان	که	رها می‌شود	پوچ و بیهوده			

[پس] در کتاب گرامی‌اش فرموده است: آیا انسان می‌پندارد که پوچ و بیهوده رها می‌شود؟!

لِذَلِكَ	أَرْسَلَ	إِلَيْهِمْ	الْأَنْبِيَاءَ	لِيُبَيِّنُوا	الصِّرَاطَ	الْمُسْتَقِيمَ	وَ	الذِّينَ	الْحَقُّ.
به همین خاطر	فرستاد	به سوی آنان	پیامبران [را]	تا آشکار کنند	راه	راست	و	دین	حق [را]

به همین خاطر، پیامبران را به سوی آنان فرستاد تا راه راست و دین حق را آشکار کنند.

لا شَعَبٌ ← لای نفی جنس

الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ: آثار کهن، آثار باستانی

مِنْ خِلَالِ: از میان، از طریق، توسط، به وسیله

اهْتِمَامٌ: اهمیت قائل‌شدن، توجه، عنایت

خُرَافِيٌّ: افسانه‌ای، افسانه‌آمیز، اسطوره‌ای

لَكِنَّ: ولی ← از حروف مشتبهة بالفعل

الدِّينُ وَالْأَعْمَالُ
لَدِينِ وَالْمَعْرُوفِ
الْعِلْمُ وَالْحَقُّ
الْقَاسِي
الْجَدِيرُ
الْحَنِيفَ
الدِّينِ وَالْأَعْمَالُ
لَدِينِ وَالْمَعْرُوفِ
الْعِلْمُ وَالْحَقُّ
الْقَاسِي
الْجَدِيرُ
الْحَنِيفَ



التمارين

التمرين الأول: أئى كلمه من كلمات معجم الدرس تُناسب التوضيحات التالية؟

(كدام كلمه از كلمه‌های واژه‌نامه درس، با توضيحات زير متناسب است؟)

۱- آلة ذات يد من الخشب و سن عريضة من الحديد يُقطع بها:

Ⓐ (ابزارى داراى دستهاى از [جنس] چوب و دندانۀ پهنى لز [جنس] آهن كه با آن بریده مى‌شود.) **القأس** (تبر)

۲- تمثال من حجر أو خشب أو حديد يُعبد من دون الله:

Ⓑ (تنديسى، از سنگ يا چوب يا آهن كه به جاى خدا پرستش مى‌شود.) **الضم** (بت)

۳- عَضُو مِنْ أَعْضَاءِ الْجِسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجَذَعِ:

ب (عضوی از اعضای بدن که بالای تنه قرار دارد.)

۴- أَتَارِكٌ لِلْبَاطِلِ وَ الْمَتَمَائِلِ إِثْلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ:

ب (رهاکننده باطل و روی آورنده به دین حق)

۵- إِنَّهُمْ بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ:

ب (با سخنی پنهان شروع به صحبت کردند.)

الشمير الثاني: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْخَرْفَ الْمَشَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.

(عبارت‌های زیر را ترجمه کن. سپس حرف مشبّه بالفعل و لای نفی جنس را مشخص کن.)

۱- ﴿فِيلٌ إِذْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ یس: ۲۶ و ۲۷

ب (گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من بدانند که پروردگار مرا آمرزید و مرا از گرامی‌داشتگان قرار داد.) **لَيْتٌ** ← از حروف مشبّهة بالفعل

۲- ﴿... لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ التوبة: ۴۰

ب (غمگین مباش، زیرا که خداوند با ماست.)

۳- ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ الأضافات: ۳۵

ب (هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست.)

۴- ﴿لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ﴾ رسول الله ﷺ

ب (هیچ دینی ندارد کسی که هیچ عهد و پیمانی ندارد.)

الشمير الثالث: أ) اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمُنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطًّا.

(شعر منسوب به امام علی علیه السلام را بخوان. سپس ترجمه کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده است، مشخص کن.)

ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم تنها از یک مادر و یک پدر هستند.	أَيْهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ	إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمِّمْ وَ لِأَبٍ	بهر	بهر
آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟	هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ	أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نَحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ	مس	مس
بلکه آنان را می‌بینی (می‌پنداری) از تگه گلی آفریده شده‌اند. آیا به‌جز گوشت و استخوان و پی هستند؟	بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ ^۲	هَلْ سِوَى ^۱ لَحْمٍ وَ عَظْمٍ ^۲ وَ عَصَبٍ ^۳	استخوان	استخوان
افتخار تنها به جزدی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.	إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ	وَ حَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ	شرم	شرم

ب) اسْتَخْرِجِ مِنَ الْأَيَّاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ وَ الْجَارَ وَ الْمَجْرُورَ وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

(از بیت‌ها اسم فاعل، فعل مجهول، جار و مجرور و صفت و موصوف را بیرون بیاور.)

اسم فاعل ← الفاعل / فعل مجهول ← خُلِقُوا / جار و مجرور ← بِالنَّسَبِ - لِأُمِّمْ - لِأَبٍ - مِنْ فِضَّةٍ - لِعَقْلِ - مِنْ طِينَةٍ / صفت و موصوف ← عَقْلٍ ثَابِتٍ

الشمير الرابع: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

(احادیث نبوی را ترجمه کن. سپس [مواردی را که] از تو خواسته شده است، مشخص کن.)

۱- كُلُّ طَعَامٍ لَا يَذُكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ^۱ وَ لَا بَرَكَةَ فِيهِ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ نَوْعُ «لَا»)

لای نفی فعل مجهول لای نفی بنس

ب (هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نمی‌شود، آن [غذا] تنها بیماری و مَرَض است و هیچ برکتی در آن نیست.)

۲- لَا تَغْضَبْ، فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ^۲. (نَوْعُ الْفِعْلِ)

فعل نفی

ب (خشمگین نشو، زیرا خشم، مایه تباهی است.)

۱- قِيلَ: گفته شد (قَالَ: گفت)

۲- سِوَى: به‌جز

۵- الْغَضَبُ: خشم

۲- الطَّيْنُ: گل

۴- الْعِظَامُ: استخوان «جمع: الْعِظَام»

سؤال های امتحانی

سؤال های ترجمه محور

۱- اِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ حَطًّا.

الف) ﴿ اَيْمٌ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ﴾ (صورتت را بلند کن - چهرهات را بگردان - روی بیاور)
ب) لا سَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَكَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. (شاخه ها - ملت ها - مردم)

۲- اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

الف) إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ (الله - الشَّيَاطِينِ - الأَضْنَامِ)
ب) عَلَّقَ النَّفَاسَ عَلَى الضَّمِّ الْكَبِيرِ وَ تَرَكَ الْمَغْبَدَ. (كَيْفِ - يَدِ - صَدْرِ)

۳- اَكْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِلْإِسْمَيْنِ التَّالِيَيْنِ.

الف) الْقُرْبَانَ جمع ←

ب) الْآلِهَةَ مفرد ←

۴- اَكْتُبِ الْمَفْرَدَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

مُؤْمِنِينَ - أُسْلُوبٌ - حَسِبَ - أَلْرُّسُلُ - جَدِيدَةٌ - جَهْلٌ

الف) طَرِيقَةٌ = الأَنْبِيَاءُ = ظَنَّ =

ب) مُشْرِكِينَ = قَدِيمَةٌ = عَرَفَ =

۵- عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

الف) عَسَى عَسَى نَعَلَ لَيْسَ
ب) اَعْبَدُوا اَعْبَدُوا اِزْكَعُوا اَعْبَدُوا
عَلَّقُوا اَعْبَدُوا اَعْبَدُوا اَعْبَدُوا

۶- اِفْرَأِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

الف) وَ لَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَتْرِكِ النَّاسَ عَلَى هَذِهِ الْحَالَةِ:

(۱) ولی خداوند متعال مردم را در این حالت رها نمی کند. (۲) ولی خداوند متعال مردم را در این حالت رها نکرد.

ب) بَدَأَ الْقَوْمَ يَتَهَاوَسُونَ:

(۱) قوم شروع به پیچ کردن. (۲) قوم شروع به گفت و گو کردند.

۷- اَكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ.

الف) يَقْطَعُ النَّاسُ الْأَشْجَارَ بِأَنَّ



ب) يَغْتَبِدُ بَعْضُ النَّاسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

۸- كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ.

الف) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَضْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً: هنگامی که مردم برگشتند،

ب) قَذَفُوهُ فِي النَّارِ. فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا: او را در آتش افکندند و

پاسخ سؤال‌های امتحانی

۷- نام هر تصویر را در جای خالی بنویس.

(الف) يَقَطَعُ النَّاسُ الْأَشْجَارَ بِالْفَأْسِ. (مردم، درختان را با تبر قطع می‌کنند.)
 (ب) يَغْتَبِدُ بَعْضُ النَّاسِ الْأَصْنَامَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (برخی از مردم، بت‌ها را به جای خدا می‌پرستند.)

۸- ترجمه عبارت‌ها را تکمیل کن.

(الف) هنگامی که مردم برگشتند، دیدند بت‌هایشان شکسته شده است.
 (ب) او را در آتش افکندند (انداختند) و خداوند او را از آن [آتش] نجات داد.

۹- جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.

(الف) ای که نابخردانه، افتخارکننده به دودمان هستی / مردم تنها از یک مادر و پدر هستند.

(ب) بلکه آنان را می‌بینی از تگه گلی آفریده شده‌اند / آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند؟

(ج) پنداشتند (گمان کردند) که ابراهیم عليه السلام [همان] انجام‌دهنده (کار) است.

۱۰- عبارتی را که در آن تأکید یا تشبیه یا زجاء (امیدداشتن) هست، مشخص کن.

(الف) امید است شما اندیشه کنید (خردورزی کنید). / واژه «لَعَلَّ»: شاید، امید است» برای «امید» به کار می‌رود.

(ب) بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است / این آیه کریمه نیز به دلیل وجود واژه «إِنَّ» در آن، دارای «تأکید» است.

(ج) آنان مانند یاقوت و مرجان‌اند. / در این آیه کریمه، واژه «كَأَنَّ» وجود دارد که برای «تشبیه» به کار می‌رود.

۱۱- فعلی را که در نوع (از نظر نوع) با سایر فعل‌ها هماهنگی ندارد، مشخص کن.

(الف) فعل «أَكْرِمُ»: گرامی می‌دارم» مضارع است و بقیه فعل‌ها، ماضی هستند.
 (ب) فعل «لَا تُشْكِرُونَ» به دلیل حذف نشدن نونش، مضارع منفی است، ولی سایر گزینه‌ها فعل نهی هستند.

۱۲- [مورد] درست یا نادرست را درباره نوع «لا» مشخص کن.

(الف) هیچ دینی ندارد کسی که هیچ عهد و پیمانی ندارد. (منقول ابنه که کسی که به عهد و پیمان خودش پایبند نیست، نمی‌شه اونو دیندار روتست!) / «لا» در این عبارت، «لا»ی نفی جنس است؛ چون پس از آن اسم فتحه‌دار (نکره) آمده است!

(ب) مؤمن چیزی را با پروردگار خویش شریک نمی‌سازد. / «لا» در این عبارت، «لا»ی نفی مضارع است نه «نهی»؛ چون آخر فعل «ضَعَهُ» دارد نه سکون!

۱۳- پاسخ درست را مشخص کن.

(الف) فعلی است از افعال ناقصه:

گویی ولی بود

۱- برای کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، ترجمه درست را انتخاب کن.

(الف) «به دین یکتاپرستی روی بیاور.» (أَقِمْ وَجْهَكَ: روی بیاور)
 (ب) هیچ ملتی از ملت‌های زمین [نبوده] و نیست، مگر این که دین و روشی برای عبادت داشته است. (شُعُوب: ملت‌ها)

۲- با توجه به معنی، کلمه مناسبی در جای خالی قرار بده.

(الف) إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاوِلٌ أَنْ يُقَدِّدَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ: [بی‌شک] ابراهیم عليه السلام تلاش کرد که قوم خود را از پرستش بت‌ها نجات دهد. (خدا - شیطان‌ها - بت‌ها)

(ب) عَلِقَ الْفَأْسُ عَلَى كَتِفِ الصَّخْرَةِ الْكَبِيرِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ: تبر را بر شانه بت بزرگ آویخت و عبادتگاه را ترک کرد. (شانه - دست - سینه)

۳- مفرد یا جمع دو اسم زیر را بنویس.

(الف) الْقُرْبَانِ جمع ← القربانین (قربانی‌ها)

(ب) الْأَلِهَةِ مفرد ← آلله (معبود)

۴- مترادف‌ها و متضادها را در جای مناسب خود بنویس.

(الف) طَرِيقَةٌ = أسلوب (روش، راه)

الأنبياء = الرُّسُل (پیامبران)

ظَنٌّ = حَسِبَ (پنداشت)

(ب) مُشْرِكِينَ (مشرکان) = مُؤْمِنِينَ (مؤمنان)

قَدِيمَةً (قدیمی، باستانی) = جَدِيدَةً (جدید، نو)

عَرَفَ (دانست) = جَهَلَ (ندانست) [در این جا، «عَرَفَ» با «عَلِمَ» مترادف و هم‌معنا هستند!]

۵- کلمه‌ای را که در معنی با سایر کلمات هماهنگی ندارد، با ذکر دلیل، مشخص کن.

(الف) امید است. شاید - امید است

شاید نیست

● کلمات «عَسَى»، «رُبَّمَا» و «لَعَلَّ» از نظر معنی، بر «امید به انجام شدن کار» دلالت می‌کنند، ولی کلمه «لَيْسَ»: چنین مفهومی ندارد.

(ب) عبادت کنید رکوع کنید

بیاویزید سجده کنید

● فعل‌های امر «أَعْبُدُوا»، «ارْكَعُوا» و «أَسْجُدُوا» همگی به نوعی در ارتباط با عبادت و پرستش است، ولی «عَلَّقُوا»: بیاویزید» چنین مفهومی ندارد.

۶- عبارت‌های زیر را بخوان، سپس ترجمه درست آن‌ها را مشخص کن.

(الف) گزینه «۲»: لَمْ يَثْرُكْ: رها نکرد [لمّ] + مضارع تغییریافته ← «ماضی منفی» یا «ماضی نقلی منفی»
 (ب) گزینه «۱»: بَدَأَ ... يَتَهَاْمَسُونَ: شروع به پیچ‌چ کردند.